




University of Tehran Press

A comparative study of extended criminal confiscation from the perspective of the Financial Action Task Force, EU, UK and Iran

Hossein Sobhani¹ | Seyed Mansour Mirsaedi²

1. Corresponding author; Department of Criminal Justice and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Email: lawistmh@gmail.com
2. Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Email: mirsaeedi@atu.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Received: 2023/04/29</p> <p>Received in revised form: 2023/09/10</p> <p>Accepted: 2023/09/12</p> <p>Published online: 2023/12/22</p> <p>Keywords: <i>Components of extended criminal confiscation, Financial Action Task Force, European Union, United Kingdom, Iran.</i></p>	<p>As organized crime increasingly spread through drug crime in the 1980s and became an international problem; the ineffectiveness of existing legal tools to deal with it emerged; because the conviction of several organized criminals behind bars and the exploitation of the benefits of their crime after their release could not have had a tangible effect on defeating organized crime. In this respect, the system of confiscation of property to fight international organized crime was recognized as a fundamental principle in international and national legal systems and grew and expanded significantly in terms of type and scope; One of its modern and progressive forms is "extended criminal confiscation" Among the international organizations, the Financial Action Task Force and the European Union, and among the European countries, the United Kingdom has the leading systems of extensive criminal confiscation. Therefore, in this study, with the aim of pathology and optimization of the legal system governing the confiscation of property related to crime in the Islamic Republic of Iran, with a comparative view, the components of the extended criminal confiscation system in the leading legal systems are described and based on the legal system approach. Iran is assessed and pathologically evaluated In order to provide effective suggestions for reforming the laws governing property related to crime; Extensive confiscation in leading legal systems has four components: criminal offenses, legal presumptions, reduction of the value of proof and litigation revolution. In Iran's legal system, although extensive criminal confiscation is provided for in the Anti-Money Laundering Amendment Law approved in 2017; But it lacks the first and second components, and regarding the third component, although suspicion is close to science, it has been legislated; But it lacks objective and quantitative criteria; Therefore, it is suggested that the legislator, like other leading legal systems, formulates the component of predicate crimes and legal assumptions in the legal system governing extended criminal confiscation and, like the English legal system, establish objective criteria such as "criminal</p>

Article Info	Abstract lifestyle" and "period of criminal activity" to study suspicion. Legislate with science.it should be noted that this research has been done by descriptive-analytical method and in the collection of resources, the library method has been used.
How To Cite	Sobhani, Hossein; Mirsaeidi, Seyyed Mansour (2023). A comparative study of extended criminal confiscation from the perspective of the Financial Action Task Force, EU, UK and Iran. <i>Comparative Law Review</i> , 14 (2), 831-857. DOI: https://doi.com/10.22059/JCL.2023.342633.634350
DOI	10.22059/JCL.2023.342633.634350
Publisher	The University of Tehran Press. 



مطالعه تطبیقی مصادره مبسوط کیفری از منظر گروه ویژه اقدام مالی، اتحادیه اروپا، انگلستان و ایران

حسین سبحانی^۱ | سید منصور میرسعیدی^۲

۱. نویسنده مسئول؛ گروه جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

رایانامه: lawistmh@gmail.com

۲. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. رایانامه: mirsaeedi@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۶	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۲/۱۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴	
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱	
کلیدواژه‌ها: انگلستان، ایران، گروه ویژه اقدام مالی، مؤلفه‌های مصادره مبسوط کیفری.	از آنجاکه جرایم سازمان‌یافته به‌طور فزاینده‌ای در دهه ۱۹۸۰ از طریق جرایم مواد مخدر گسترش یافت و به یک معضل بین‌المللی تبدیل شد، ناکارآمدی ابزارهای قانونی موجود برای مقابله با آن ظاهر گردید؛ چراکه محکومیت چندی از مجرمان سازمان‌یافته در پشت میله‌های زندان و بهره‌برداری از منافع جرم خود پس از آزادی، نمی‌توانست تأثیر عینی در به‌شکست واداشتن جرایم سازمان‌یافته داشته باشد. از این حیث، نظام مصادره اموال برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی، به‌عنوان یک اصل اساسی در نظام‌های حقوقی بین‌المللی و ملی شناخته شد و به نحو چشمگیری از منظر نوع و گستره، رشد و وسعت یافت که از جمله اشکال مدرن و مترقی آن، «مصادره مبسوط کیفری» است. در میان سازمان‌های بین‌المللی، گروه ویژه اقدام مالی و اتحادیه اروپا و نیز در میان کشورهای اروپایی، انگلستان دارای نظام‌های پیشرو مصادره مبسوط کیفری هستند؛ از این رو، در این پژوهش به هدف آسیب‌شناسی و بهینه‌سازی نظام حقوقی حاکم بر مصادره اموال مرتبط با جرم در ج.ا.ایران، با نگاهی تطبیقی، مؤلفه‌های نظام مصادره مبسوط کیفری در نظام‌های حقوقی پیشرو یادشده تشریح و مبتنی بر رهیافت حاصله، نظام حقوقی ایران مورد سنجش و آسیب‌شناسی قرار می‌گیرد تا از این رهگذر، به هدف اصلاح قوانین حاکم بر عرصه اموال مرتبط با جرم، پیشنهادهایی کارآمد ارائه گردد. مصادره مبسوط در نظام‌های حقوقی پیشرو دارای چهار مؤلفه جرایم موجب، مفروضات قانونی، کاهش ارزش ادله اثباتی و انقلاب دعوی است. در نظام حقوقی ایران اگرچه مصادره مبسوط کیفری در قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ پیش‌بینی شده، اما فاقد مؤلفه اول و دوم است و در خصوص مؤلفه سوم اگرچه ظن متأخم به علم تقنین نموده، اما فاقد معیارهای عینی و کمی است؛ از این

رو، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار همانند دیگر نظام‌های حقوقی پیشرو، مؤلفه جرایم موجب و مفروضات قانونی را در نظام حقوقی حاکم بر مصادره مسووت کیفری، تدوین و همانند نظام حقوق انگلستان معیارهای عینی چون «سبک زندگی مجرمانه» و «دوره فعالیت مجرمانه» را برای تحصیل ظن متآخیم به علم تقنین نماید. شایان ذکر است که این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام و در جمع‌آوری منابع از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

سبحانی، حسین؛ میرسعیدی، سید منصور (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی مصادره مسووت کیفری از منظر گروه ویژه اقدام مالی، اتحادیه اروپا، انگلستان و ایران. *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۱۴ (۲)، ۸۳۱-۸۵۷

DOI: <https://doi.com/10.22059/JCL.2023.342633.634350>

10.22059/JCL.2023.342633.634350



مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

استناد

DOI

ناشر

۱. مقدمه

مصادره، مانع مجرمان از به‌کارگیری اموال و عواید مجرمانه برای ارتکاب جرایم مشابه یا دیگر جرایم می‌شود (Stefan, 2013: 98-103). در اصطلاح، مصادره به ضبط و محرومیت دائمی از دارایی‌ها و دیگر سرمایه‌ها از طریق حکم یک مرجع ذی‌صلاح یا دادگاه تعریف می‌شود (FATF, 2012-2018: 118).

برای مدت طولانی نظام‌های حقوقی تنها به محکومیت کیفری و حبس مجرمان اکتفا نموده، مصادره عواید حاصل از جرم مورد غفلت واقع شده بود (Stessens, 2002: 2)؛ با این حال، با رشد فزاینده جرایم سازمان‌یافته در دهه ۱۹۸۰، به‌ویژه جرایم مواد مخدر و ایجاد یک معضل جهانی، ناکارآمدی ابزارهای مقابله و پیشگیری از جرایم یادشده ظاهر گشت (Thony, 2005: 1-20)؛ زیرا صرف محکومیت به کیفر حبس نمی‌توانست مجرمان را از هدف غایی خود که تحصیل مال باشد، بازدارد (Ryder, 2013: 774&776). در همین راستا، نظام مصادره برای مقابله مؤثر با جرایم سازمان‌یافته از سطح ساده که مصادره اموال موضوع جرم است طراحی شد و با ظهور انواع متعدد جرایم اقتصادی رشد و نمو یافت (Vettori, 2006: 2; Naylor, 1999: 1-57; Stessens, 2000: 29-81; Stessens, 2015: 2). اساساً به صورت سنتی در دادرسی کیفری، مصادره تنها در حالتی ممکن است که رابطه مال و جرم به اثبات برسد و مجرم به جرمی که مال از آن تحصیل شده است، محکوم گردد؛ این نوع مصادره رایج‌ترین نوع آن در نظام‌های حقوقی است. در این نوع مصادره، می‌بایست ارتباط بین جرم و اموال موضوع مصادره اثبات و سپس مال مربوطه مصادره گردد. با توجه به دشواری تحصیل دلیل و جمع‌آوری ادله برای اثبات رابطه جرم و مال تحصیل‌شده از آن، نوع نوین و مترقی از مصادره ظهور نمود که به «مصادره مبسوط»^۱ شهرت یافت.

در نظام «مصادره مبسوط» با وجود شرایطی و بدون نیاز به اثبات رابطه منشأ مجرمانه جرم با اموال، مصادره اموال موردنظر ممکن می‌گردد؛ از این رو، مصادره اموال مبسوط شامل تدابیری می‌شود که ممکن است به اموال دیگری غیر از اموالی که می‌تواند مستقیماً مرتبط با محکومیت مجرمانه باشد، بسط یابد. این نوع مصادره، ابتدا در جرایم مواد مخدر و جرایم سازمان‌یافته مورد استفاده قرار گرفت و سپس به دیگر حوزه‌های جرایم از جمله حوزه‌های جرایم تروریستی تسری یافت.

مصادره مبسوط کیفری یک تدبیر بازیابی اموال است که تحقق آن متکی به ارتکاب جرایم کیفری خاص است. با وقوع جرایم یادشده است که علاوه بر عواید حاصل از جرم، دارایی‌های در مظان رفتار مجرمانه نیز موضوع مصادره قرار می‌گیرد؛ بنابراین در این نوع مصادره، ابتدا باید جرایم کیفری معین ارتکاب یابد تا علاوه بر اموال موضوع جرم، سایر اموال متهم در دامنه مصادره وارد شود (Sofia, 2017:)

1. Extended confiscation

170-150). در کنار توسعه رژیم مصادره مبسوط، نظام مصادره مبتنی بر عدم محکومیت یا همان مصادره مبسوط مدنی نیز ظهور نمود. این نظام، جواز مصادره اموال بدون محکومیت قبلی کیفری فرد را در دادگاه فراهم می‌کند. این اقدام مستقیماً علیه فرد اتخاذ نمی‌شود، بلکه «علیه اموال بماهو اموال»^۱ اعمال می‌گردد^۲ (Alagna, 2015: 447; Cassella, 2008: 8-14; Maugeri, 2012: 257-297; Boucht 2017: 2). نهاد مصادره مبسوط در نظام‌های حقوقی به نحوی متفاوت و با گستره‌های متعددی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است؛ از جمله اینکه برخی مصادره‌های بدون محکومیت در دادرسی کیفری مجری دانسته شده و در برخی تنها محدود به دادرسی مدنی گشته است (Brussel, 2014: 18; Kennedy, 2004: 8-13; Euro just, 2013; امارات و قراین قانونی در خصوص منشأ جرم نیز قابل مشاهده است. علاوه بر دو نوع مصادره مبسوط یادشده، مصادره مبسوط اداری نیز نوع سوم آن محسوب می‌شود. مصادره مبسوط اداری معمولاً شامل مکانیزم غیرقضایی می‌شود و از سوی نهادهای اجرایی مانند واحد پلیس یا دیگر نهادهای مجری قانون انجام می‌شود (Jean Larissa & Clive Kevin, 2021: 14). در این پژوهش، مصادره مبسوط کیفری به صورت تطبیقی تحلیل می‌گردد. در میان سازمان‌های بین‌المللی، گروه ویژه اقدام مالی و اتحادیه اروپا و نیز در میان کشورهای اروپایی، انگلستان از کشورهای پیش‌گام در طراحی مؤلفه‌های نظام مصادره مبسوط کیفری به حساب می‌آیند (Nikolov, 2011: 39-43).

گروه ویژه اقدام مالی یک نهاد بین‌المللی است که به ابتکار گروه G7 (متشکل از امریکا، انگلیس، آلمان، ایتالیا، فرانسه، ژاپن و کانادا) ایجاد شد. مأموریت این گروه مقابله با پولشویی، تأمین مالی تروریسم و اشاعه سلاح است. این گروه استانداردهای کنترل مالی را جهت مقابله با جرایم یادشده، به نظام‌های حقوقی ملی پیشنهاد داده است. گروه مورد بحث یک سال پس از تشکیل، ۴۰ توصیه را ارائه نمود و در سال ۲۰۰۱، ۸ توصیه ویژه برای مقابله با تأمین مالی تروریسم عرضه کرد. در سال ۲۰۰۴ با افزودن یک توصیه خاص،

۱. دادخواست اگر فقط علیه اموال طرح شود، در اصطلاح به آن *in rem* و اگر علیه شخص مطرح گردد، به آن *in personam* گفته می‌شود.

۲. مصادره بدون محکومیت کیفری یکی از انواع مصادره مبسوط است که برای مصادره اموال نیازی به محکومیت قبلی متهم نیست، از این حیث این نوع مصادره حتی در صورت براهین متهم نیز متصور است. وجه اشتراک مصادره مبسوط با مصادره بدون محکومیت کیفری در این است که در هر دو نوع مصادره، ممانعت مجرم از دارا شدن عواید مجرمانه دنبال می‌شود و وجه افتراق آنها محدود به مسائل رسیدگی و دادرسی و ارتکاب جرایم خاص است. همچنین اینکه مصادره، کیفری ناظر به شخص است و معمولاً بخشی از فرایند محکومیت و مجازات متهم محسوب می‌شود. شایان ذکر است، دادگاه ملزم به محکومیت متهم است؛ درحالی که مصادره بدون محکومیت کیفری (مصادره مدنی)، ناظر به مال است نه شخص و نیازی به محکومیت کیفری در آن نیست.

توصیه‌های نه‌گانه ویژه را تدوین نمود. در سال ۲۰۱۲ با توجه به ظهور ریسک‌های جدید، به بازنگری استانداردها پرداخت و استانداردهای چهل‌گانه را به‌منصه ظهور رساند. در توصیه شماره ۴ مصادره مبسوط ارائه شد و در «سند عملکردهای بهینه برای مصادره اموال»، گروه ویژه اقدام مالی ملاک و چگونگی اجرای مصادره مبسوط کیفری را به‌عنوان مصداق و نمونه خارجی در حال اجرا شرح داده است.

اتحادیه اروپا نیز در سال ۲۰۰۵ سند ارائه‌شده از سوی هیئت شورای عدالت و امور داخلی^۱ در خصوص مصادره عواید، وسایل و ابزارها و اموال مرتبط با جرم را تصویب نمود. در این سند برای نخستین بار تدابیر مصادره مبسوط کیفری دیده می‌شود (Justice and Home Affairs Council configuration, 2005: 49-51). در ۲۰۱۴، یک دستورالعمل جدید در خصوص مصادره تحت عنوان «دستورالعمل ۲۰۱۴/۴۲ پارلمان و شورای اروپا در خصوص توقیف مادی و مصادره وسایل و عواید حاصل از جرم در اتحادیه اروپا» تصویب شد. این دستورالعمل در ۴ اکتبر ۲۰۱۶ به اجرا درآمد و مقررات حاکم بر مصادره مبسوط کیفری را با اصلاحاتی همراه کرد (Directive 2014/ European Union).

نیاز به وجود اختیارات در خصوص مصادره دارایی عواید حاصل از جرم در انگلستان با پلیس عملیاتی به نام جولی^۲ در سال ۱۹۷۸ شروع شد و به نحو مفصل در جهت مبارزه با جرایم سازمان‌یافته طراحی گردید (Lawrence, 2008: 22-24). در پرونده‌های متعددی از جمله پرونده کاتبرسن^۳، پلیس مقداری از اموال و دارایی‌های متهم را توقیف نمود و دادستان در دادگاه مدعی شد که این اموال حاصل از قاچاق مواد مخدر است، اما با اینکه دادگاه بدوی^۴ رأی به مصادره کل اموال داد، دادگاه تجدیدنظر این رأی را مخالف قانون دانست و تنها اموال مرتبط با جرمی را که متهم به آن محکوم شده بود قابل مصادره دانست و سایر اموال به مجرم بازگردانده شد. در جهت رفع این نقص قانونی، دولت کمیته هاجسن^۵ را برای ارائه پیش‌نویسی در خصوص نظام مصادره جدید تشکیل داد که این کمیته در سال ۱۹۸۴ متن پیشنهادی خود را ارائه نمود (Report from the Hodgson Committee, 1984). در سال ۱۹۸۶ قانون جرایم قاچاق مواد مخدر تصویب شد و سپس از سوی قانون عدالت قضایی ۱۹۸۸ اصلاح و دامنه آن به جرایم قابل کیفرخواست و دیگر جرایم خاص تسری یافت. در سال‌های بعد، نظام مصادره اموال دچار تحولات بسیاری از سوی قوانین متعدد از جمله قانون عدالت کیفری ۱۹۹۰، قانون قاچاق مواد مخدر ۱۹۹۴ و قانون عواید حاصل از جرم ۱۹۹۵ شد (Thunberg Schunke, 2017: 43-45). این تعدد قوانین موجب جزیره‌ای شدن و ناکارآمدی نظام مصادره مبسوط گشت و در نتیجه با هدف کارآمدی بهتر،

1. Justice and Home Affairs Council configuration (OJL)

2. Julie

3. Catperson

4. Crown Court

5. Hodgson Committee

قانون عواید حاصل از جرم در سال ۲۰۰۲ تصویب گردید (Recovering the Proceeds of Crime, 2000). قانون عواید حاصل از جرم ۲۰۰۲ بسیار جامع و مفصل و شامل ۱۲ بخش است که در ذیل آن چهار نظام بازپایی و مصادره اموال طراحی شده و در بخش دوم و چهارم آن به بحث مصادره مبسوط کیفری پرداخته شده است.

در نظام حقوقی ایران نزدیک‌ترین نظام مصادره به «مصادره مبسوط» اخیراً در «قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ و آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۴ مصوب ۱۳۹۸» و «قانون الحاق مواد به قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم (۴۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دستورالعمل اجرایی آن» تدوین شده است.

در این پژوهش به هدف آسیب‌شناسی و بهینه‌سازی نظام حقوقی حاکم بر مصادره اموال و عواید مرتبط با جرم در ایران، به مطالعه تطبیقی عناصر و شرایط مصادره مبسوط کیفری در نظام‌های حقوقی یادشده و نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود. برای جامه عمل پوشاندن به هدف یادشده، لازم است بررسی شود که مؤلفه‌های مصادره مبسوط کیفری، در نظام‌های حقوقی گروه ویژه اقدام مالی، اتحادیه اروپا، انگلستان و ایران چگونه انعکاس یافته است؟ با نگاهی آسیب‌شناسانه، در مطالعه تطبیقی، مؤلفه‌های نظام حاکم بر مصادره مبسوط کیفری در نظام حقوقی ایران چگونه تحلیل می‌شوند؟ با هدف پاسخ به پرسش‌های یادشده، در ادامه، ذیل چهار گفتار، هریک از مؤلفه‌های نظام مصادره مبسوط کیفری در نظام‌های حقوقی گروه ویژه اقدام مالی، اتحادیه اروپا، انگلستان و ایران با نگاهی تطبیقی تشریح، و ضمن شناخت رهیافت نظام‌های حقوقی یادشده در راستای تکامل و بهینه‌سازی بیشتر، به آسیب‌شناسی نظام مصادره مبسوط کیفری در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود.

۲. مؤلفه جرایم موجب

جرایم موجب، جرایمی هستند که سبب می‌شوند فرد در مظان مجازات مصادره اموال به صورت مبسوط واقع شود. با ارتکاب این دسته از جرایم، برای نهاد مجری و نهاد قضایی ظن معقول و متعارف به تحصیل شدن اموال مجرمان از طریق جرم حاصل می‌شود؛ جرایم مواد مخدر و قاچاق انسان نمونه‌هایی از این گونه جرایم هستند. این جرایم به راحتی تکرار شده، پرمفعت هستند و نرخ کم امکان کشف آنها جذابتشان را برای مجرمان حرفه‌ای دوجندان کرده است؛ بنابراین، لازمه انجام این جرایم تکرار و همچنین ارتکاب مجموعه‌ای از جرایم است که در نهایت موجب کسب منفعت سرشار می‌گردد؛ از این رو، به عنوان جرایم موجب محسوب شده، احتمال تکرار شدن و نیز کسب منفعت بسیار ناشی از آنها به عنوان یک فرض قانونی در نظر گرفته می‌شود (Confiscation Orders, 2010: 272).

در اتحادیه اروپا دسته‌ای از جرایم هستند که صرف اثبات ارتکاب آنها از سوی متهم، اموال متهم مستحق ورود به دامنه مصادره مبسوط کیفری قرار می‌گیرد. ماده ۳ تصمیم ۲۰۰۵، کشورهای عضو را متعهد به پذیرش مصادره مبسوط در قانون‌گذاری داخلی می‌نماید و همچنین مصادره مبسوط می‌بایست علیه شخص محکوم به جرایم کیفری شدید سازمان‌یافته یا تروریستی تحمیل گردد؛ تقلب و جعل یورو، پولشویی، قاچاق انسان، تسهیل ورود غیرمجاز، ترانزیت و اقامت، سوءاستفاده جنسی از کودکان و پورنوگرافی کودک، قاچاق مواد مخدر و جرایم تروریستی، به‌عنوان مصادیق این‌گونه جرایم موجب در تصمیم اقدام مشترک ۹۸/۷۳۳ مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۹۸ برشمرده شده است (Joint Action of 3 ; Framework Decision 2001; Framework Decision 2000; December, 1998 ; Framework Decision 2002). در ماده ۳ و ماده ۵ دستورالعمل ۲۰۱۴ نیز علاوه بر جرایم یادشده، جرایمی چون فساد، تقلب در وسایل پرداخت غیرنقدی، فساد در بخش‌های خصوصی و اخلال در سیستم‌های اطلاعاتی و دیجیتالی در دامنه جرایم موجب تعریف شده است. همه جرایم موردبحث برای اینکه بتوانند در دامنه مجازات مصادره مبسوط قرار گیرند لازم است که حداقل و حداکثر مجازات آنها بین ۵ تا ۱۰ سال حبس باشد^۱ و ماهیتشان به‌گونه‌ای باشد که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بتوانند منفعت مالی را برای مجرم تحصیل کنند.

در نظام حقوقی انگلستان از جرایم موجب به «جرایم سبک زندگی مجرمانه» تعبیر می‌شود^۲. دادگاه جنایی^۳ در اولین اقدام برای شروع فرایند رسیدگی به مصادره مبسوط کیفری، دو مؤلفه را لحاظ می‌کند: نخست اینکه متهم دارای سبک زندگی مجرمانه باشد و دوم اینکه از سبک زندگی مجرمانه خود منفعت مالی تحصیل کرده باشد (Part 6(4) OF the Proceeds of Crime Act 2002)؛ سبک زندگی مجرمانه از ارتکاب جرایم موجب محقق می‌شود.

طبق گفتار ۷۵ قانون عواید مجرمانه، در صورت وجود یکی از دو معیار زیر، داشتن سبک زندگی

۱. لازم به ذکر است که در نظام حقوقی اتحادیه اروپا اگرچه مجازات جرم پولشویی ۴ سال حبس است، ولی استثنائاً جزء جرایم موجب شمرده می‌شود.

۲. از سبک زندگی مجرمانه به «رفتار مجرمانه عمومی» نیز یاد می‌شود؛ در واقع، فرد عموماً مرتکب رفتار مجرمانه است؛ از این رو، لازم نیست اثبات شود دقیقاً این منفعت و مال از کدام رفتار مجرمانه خاص وی تحصیل شده است؛ به این معنی که متهم این مال مشخص را از جرم سرقت مرتکب‌شده به‌دست آورده، بلکه کافی است اثبات شود به صورت کلی فرد اموالش را از رفتارهای نامشروع صرف نظر از عنوان مجرمانه خاص تحصیل کرده است. در مقابل این نوع مصادره، مصادره متداول وجود دارد که باید اثبات شود مال مشخص از کدام رفتار مجرمانه معین فرد تحصیل شده است؛ مثلاً ماشین از رفتار مجرمانه سرقت تحصیل شده است.

3. Crown Court

مجرمانه برای متهم احراز می‌گردد:

- اگر متهم در فرایند رسیدگی به جرمی که در «فهرست ۲ قانون عواید حاصل از جرم ۲۰۰۲ ذکر شده است»^۱ محکوم شود و مجموع منفعت متهم کمتر از ۵۰۰ پوند نباشد. از جمله جرایم ذکر شده در فهرست مورد بحث، قاچاق مواد مخدر، پولشویی، هدایت تروریستی^۲، برده‌داری، قاچاق انسان، قاچاق سلاح، جعل اسکناس، اخاذی، جرایم مالکیت معنوی و جرایم جنسی کودکان است. (Explanatory Notes to POCA, 2000: 25-26).
 - اگر متهم به ترکیبی از جرایم در یک «دوره فعالیت مجرمانه» محکوم شود و مجموع منفعت متهم از جرم، کمتر از ۵۰۰ پوند نباشد، می‌تواند به‌عنوان دارنده سبک زندگی مجرمانه شناخته شود. سه معیار برای تحقق «دوره فعالیت مجرمانه» تقنین شده است: الف) در رسیدگی به یک پرونده، متهم به ۳ یا ۴ جرم دیگر (که از منظر نوع متفاوت هستند) محکوم گردد و همه آنها برای متهم منفعت‌آور باشد. ب) متهم به جرمی که منفعت‌آور باشد محکوم شده، در شش سال اخیر نیز حداقل به دو مورد دیگر محکوم شده باشد؛ مجموع این سه محکومیت به‌عنوان «یک دوره فعالیت مجرمانه» به حساب می‌آید. ج) اگر متهم جرمی را در یک دوره حداقل شش‌ماهه مرتکب شود و مجموع منافع تحصیل شده نیز از ۵۰۰ پوند کمتر نباشد (Part 75 OF the Proceeds of Crime Act 2002).
- گروه ویژه اقدام مالی ذیل توصیه شماره ۴، کشورها را به اتخاذ مصادره مبسوط تشویق نموده است. در «سند عملکردهای بهینه در خصوص مصادره اموال» همانند حقوق انگلستان، ملاک و معیار سبک زندگی مجرمانه را موجبی برای مصادره مبسوط کیفری اموال برمی‌شمارد؛ در همین راستا برای تحقق زندگی مجرمانه سه شرط را لازم می‌داند: نخست، متهم مرتکب جرم شدید شده باشد. در خصوص جرایم شدید در ترمنولوژی استانداردهای گروه ویژه تصریح شده است که از جمله جرایم شدید می‌توان به «مشارکت در گروه مجرمانه سازمان یافته، جرایم تروریستی، قاچاق انسان، قاچاق مواد مخدر، استثمار جنسی و سوءاستفاده جنسی از کودکان، قاچاق سلاح، فساد و جرایم محیط زیستی» اشاره کرد (FATF, 2012-2018: 119)؛ دوم، در طول تحقیقات کیفری، «تحقیقات مالی» نیز شروع شده و گزارش تحقیقات مالی نشان دهد که جرمی که فرد به آن محکوم شده است یا جرایم جنایی دیگر ارتكابی، موجب شده که وی از طریق نامشروع اموالی را دارا شده باشد؛ و سوم، وجود اماره و شواهد پذیرفتنی و اقناع‌کننده کافی که ثابت کند متهم همه اموال موضوع مصادره را از طریق نامشروع تحصیل کرده است (FATF, 2012: 7).

۱. اصطلاحاً جرایم فهرست ۲، فهرست جرایم سبک زندگی نامیده می‌شود.

در نظام حقوقی ایران به تصریح لایحه تقدیمی قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷، هدف از «اصلاحات حاضر استقلال جرم پولشویی از جرم منشأ» بیان شده است. گزارش ارائه شده از سوی مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان، هدف از اصلاحات قانون پولشویی مصوب ۱۳۹۷ را درخواست‌های گروه ویژه اقدام مالی در قالب برنامه اقدام^۱ دانسته است. به تصریح گزارش ۹۷۰۳۰۲۸ مجمع حقوقی یادشده، از جمله اقدامات برشمرده در این برنامه اقدام، «تقنین و اصلاح مقررات با هدف جرم‌انگاری جرم پولشویی مستقل از جرم منشأ» است.^۲ استقلال جرم پولشویی از جرم منشأ به این معناست که برای مصادره عواید حاصل از جرم، به اثبات جرم منشأ خاص که اموال موضوع مصادره از آن نشئت گرفته است نیاز نیست، بلکه اثبات رفتار و سبک زندگی مجرمانه در خصوص متهم جهت پولشو دانستن وی و مصادره اموالش کافی است.

با توجه به پیشینه یادشده، حذف ماده ۱ قانون سابق^۳ که اطلاق آن، اصل صحت و اماره ید را مقدم بر ظن متأخم به ظن می‌دانست- و جایگزینی آن با ماده ۱ قانون اصلاح مصوب ۱۳۹۷- که هیچ اثری از اصل صحت و اماره ید در آن دیده نمی‌شود-، ذکر جرم پولشویی در کنار جرم منشأ در مواد ۴۳ و ۵۹ قانون محل بحث در قیاس به ماده ۳ قانون پولشویی مصوب ۱۳۸۶^۴ که جرم پولشویی را ضمن جرم منشأ تعریف می‌کرد نه مستقل از آن؛ تصریح ماده ۱۴۶ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۴ مصوب ۱۳۹۸ بر استقلال جرم پولشویی از منشأ و درنهایت گنجانده شدن سه تبصره ماده ۲ در قانون اصلاح ۱۳۹۷، می‌توان اراده قانون‌گذار را بر تأسیس نهاد مصادره مبسوط در نظام حقوقی ایران استنباط کرد و آن را نقطه عطفی در نظام مقابله با جرایم سازمان‌یافته و جرایم کلان اقتصادی به‌شمار آورد.

1. Action plan

۲. اظهار نظر مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان در خصوص لایحه قانون مبارزه با پولشویی، کد گزارش ۹۷۰۳۰۲۸: تاریخ انتشار ۱۳۹۷/۰۳/۰۸. (ص ۲-۴ و ۵).
۳. ماده ۱- اصل بر صحت و اصالت معاملات تجاری موضوع ماده (۲) قانون تجارت است، مگر آن که براساس مفاد این قانون خلاف آن به اثبات برسد. استیلای اشخاص بر اموال و دارایی اگر توأم با ادعای مالکیت شود، دال بر ملکیت است.
۴. ماده ۳- عواید حاصل از جرم به معنای هر نوع مال یا امتیازی است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرائم، اعم از جرائم منشأ و پولشویی، به دست آمده باشد.
۵. ماده ۹- « اصل مال و درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم منشأ و جرم پولشویی (و اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آن) مرکب از جرم پولشویی مصادره می‌شود... ».
۶. ماده ۳- عواید حاصل از جرم به معنای هر نوع مالی است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از فعالیت‌های مجرمانه به‌دست آمده باشد.
۷. قوه قضاییه ضمن رعایت ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های ذیل آن، با همکاری مرکز نسبت به آموزش مستمر مقامات و کارکنان و کارمندان قضایی و ضابطان دادگستری در خصوص جرایم پولشویی و تأمین مالی تروریسم و ابعاد حقوقی آن به‌عنوان جرم مستقل اقدام خواهد نمود

قانون‌گذار مصادره مبسوط کیفری را در نظام دادرسی کیفری و از ممر دادسرا، دادستان، دادرس و قاضی اجرایی احکام کیفری در قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ پذیرفته است؛ تبصره یک ماده ۲ مقرر داشته است، چنانچه ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد، همه اموال موضوع ظن می‌تواند موضوع مصادره واقع شود؛ مانند آنکه نوعاً با توجه به شرایط امکان تحصیل آن، میزان دارایی در یک زمان مشخص وجود نداشته باشد؛ با این همه، قانون‌گذار برخلاف سه نظام حقوقی یادشده، مؤلفه جرایم موجب و سبک زندگی مجرمانه را به‌عنوان مؤلفه لازم برای مصادره مبسوط کیفری پیش‌بینی نکرده است. این نقصان مراجع مربوطه را در مرحله اجرا و تعیین مصداق اموال موضوع مصادره مبسوط کیفری، با چالش اجرایی مواجه خواهد کرد و از کارآمدی بازدارندگی نظام مصادره مبسوط، در پیشگیری و مقابله با جرایم کلان اقتصادی می‌کاهد؛ زیرا با مستقل شدن جرم پولشویی از جرم منشأ، جرایم موجب یا سبک زندگی مجرمانه به‌عنوان اماره نامشروع فرض کردن اموال و مصادره اموال، نقش جرم منشأ را ایفا می‌کند؛ درحالی‌که جرم پولشویی مستقل از جرم منشأ نیست، تنها با اثبات جرم منشأ، نقل و انتقالاتی که مجرم در خصوص اموال حاصل از جرم منشأ انجام می‌دهد، مصداق جرم پولشویی قرار می‌گیرد و تنها همان اموال مصادره می‌شود.

در این قانون اگرچه تصریح شده که «ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال» یا «ظن نزدیک به علم بر تحصیل مال از طریق نامشروع» موجبی برای مصادره اموال موضوع ظن نزدیک به علم می‌شود، اما مشخص نکرده است که دقیقاً منظور از آنها چیست؟ آیا منظور همان رفتار مجرمانه و الگوی رفتاری مجرمانه است؟ در نظام حقوقی گروه ویژه اقدام مالی و حقوق انگلستان «محکومیت فرد به جرایم خاص اقتصادی» «ارتباط با متهمان جرایم کلان اقتصادی مثل مجرمان و متهمان کلاهبرداری، قاچاق مواد مخدر و ...» مبنایی برای نامشروع دانستن اموال مبتنی بر توازن احتمالات به حساب می‌آید، و این در حالی است که ملاک‌های عینی و موردی در قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ پیش‌بینی نشده است.

در این راستا لازم است که قانون‌گذار نقصان مؤلفه جرم موجب در نظام مصادره مبسوط کیفری را چه به صورت تعریف مصداقی از جرایم موجب- همان‌طور که در نظام مصادره مبسوط اتحادیه اروپا دیده می‌شود- و چه به صورت سبک زندگی مجرمانه- همان‌طور که در نظام حقوقی انگلستان و گروه ویژه

۱. تبصره ۱- هرگاه ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد، مانند آنکه نوعاً و با توجه به شرایط امکان تحصیل آن میزان دارایی در یک زمان مشخص وجود نداشته باشد، مسؤولیت اثبات صحت آنها برعهده متصرف است. منظور از علم در این تبصره و تبصره (۳) همان است که در قانون مجازات اسلامی برای علم قاضی تعریف شده است.

اقدام مالی بیان شد- رفع نماید. همچنین در راستای کارآمدی و بهینه‌سازی بیشتر نظام مصادره مبسوط کیفری، اتخاذ ترکیب معیار اتخاذی دو نظام گروه ویژه اقدام مالی و انگلستان از سوی قانون‌گذار ج.ا.ایران پیشنهاد می‌شود؛ به این صورت که دو معیار «فهرست جرایم سازمان‌یافته» و «دوره رفتار مجرمانه» برگرفته از نظام حقوقی انگلستان در تشخیص سبک زندگی مجرمانه و معیار «گزارش تحقیقات مالی» منبعت از نظام حقوقی گروه ویژه اقدام مالی، به‌عنوان سه معیار مؤلفه جرایم موجب شناخته شود.

لازم به ذکر است در نظام حقوقی اروپا و انگلستان میزان مشخصی از دارایی (برای مثال در نظام حقوقی انگلستان ۵۰۰ پوند) در شرط شروع فرایند دیگر مؤلفه‌های مصادره مبسوط کیفری برشمرده شده است. این شرط با هدف کارآمدی و تناسب اصل هزینه و فایده در مقابله با جرایم اقتصادی پیش‌بینی شده است تا از این طریق منابع انسانی، قضایی و مالی در مقابله با جرایم کلان اقتصادی بتوانند کارآمدتر عمل کنند؛ این درحالی است که در نظام حقوقی ایران چنین شرطی پیش‌بینی نشده است.

۳. مؤلفه مفروضات قانونی

با اثبات جرایم موجب و سبک زندگی مجرمانه از سوی دادستان در دادگاه، نوبت به دامنۀ میزان اموال موضوع مصادره مبسوط می‌رسد. در این خصوص، برای محاسبه دامنۀ اموال موضوع مصادره، در نظام‌های حقوقی مفروضاتی جهت تعیین دامنۀ اموال موضوع مصادره مبسوط کیفری پیش‌بینی شده است. طبق بررسی انجام شده در نظام حقوقی حاکم بر مصادره مبسوط کیفری اتحادیه اروپا، در دستورالعمل ۲۰۱۴ محدودیت زمانی جهت تعیین میزان عواید تحصیل شده از عواید مجرمانه و میزان اموال موضوع مصادره کیفری وجود ندارد؛ اما در مشروح مذاکرات شماره ۲۱ دستورالعمل یادشده، دولت‌ها در تعیین محدودیت زمانی و مبدأ زمانی خاص (مثلاً شش سال قبل از محکومیت به جرایم موجب)، جهت سنجش میزان اموال موضوع مصادره مبسوط کیفری مجاز دانسته شده‌اند؛ ازجمله دولت‌هایی که محدودیت یادشده را در نظام حقوقی خود به‌اجرا گذاشته، نظام حقوقی انگلستان است. در مواردی که دادگاه بر اساس معیارهای یادشده در گفتار قبل، تشخیص می‌دهد که متهم دارای سبک زندگی مجرمانه است، در این صورت دادگاه ملزم است طبق بخش ۱۰ (۵) قانون عواید حاصل از جرم ۲۰۰۲، چهار فرض را دنبال نماید. این فرضیات به وی کمک می‌کند تا اثبات نماید که آیا متهم از سبک زندگی مجرمانه خود^۱ منتفع شده است یا خیر. در صورت انتفاع، میزان آن چه قدر است تا بتواند موضوع مصادره اموال مبسوط قرارگیرد.

۱. به سبک زندگی مجرمانه «رفتار مجرمانه فراگیر» نیز می‌گویند که معادل انگلیسی آن، general criminal conduct است.

این مفروضات قانونی عبارت‌اند از:

نخستین فرض. هر مال یا منفعتی که شش سال قبل از شروع به فرایند رسیدگی به جرایم موجب به متهم انتقال یافته باشد، موضوع مصادره مبسوط کیفری خواهد بود و فرض می‌شود که از رفتار مجرمانه متهم تحصیل شده است.

دومین فرض. هر مال یا منفعتی که متهم بعد از محکومیت به جرایم موجب تحصیل کرده باشد یا در اختیار داشته باشد، به عنوان مال موضوع مصادره شناخته شده، فرض می‌شود که از رفتار مجرمانه وی تحصیل شده است.

سومین فرض. هر نوع هزینه و مخارجی که متهم از شش سال قبل از شروع به فرایند رسیدگی جرایم موجب انجام داده باشد، به عنوان مال موضوع مصادره شناخته شده، فرض می‌شود که از رفتار مجرمانه او به دست آمده است.

چهارمین فرض. در خصوص همه اموال و منافع یادشده فرض می‌گردد که هیچ شخصی در آن اموال دخیل نیست و تنها متهم صاحب آنهاست؛ به عبارتی فرض بر آن است که آن مال برای خود متهم است و به شخص ثالث تعلق ندارد (Part 10(5) OF the Proceeds of Crime Act 2002).

لازم به ذکر است، چنانچه اشتباه بودن مفروض موردنظر به اثبات برسد یا اجرای مفروض یا مفروضات یادشده موجب بی‌عدالتی شدیدی گردد، مفروضات فوق جاری نمی‌شوند (Part 10(6) OF the Proceeds of Crime Act 2002)؛ برای مثال، چنانچه مال نامشروعی به خانه تبدیل شود، نمی‌توان طبق مفروضات یک و دو، هم پول را محاسبه کرد و هم خانه را؛ یعنی مال نامشروع یک‌بار به اعتبار مال احصا شود و یک بار به اعتبار منفعت حاصل از همان مال، زیرا این اقدام بی‌عدالتی است و تنها باید خانه مصادره گردد.

بنابراین، دادگاه فرض می‌کند که هر مالی که در شش سال قبل از فرایند رسیدگی به جرایم موجب، از سوی متهم نگهداری شده یا به وی انتقال پیدا کرده باشد، منفعتی است که از رفتار مجرمانه وی تحصیل شده است. علاوه بر این، فرض بر این است که تمام هزینه‌هایی که وی در این مدت انجام داده از چنین مزایایی تأمین شده است.

با احراز سبک زندگی مجرمانه برای متهم در «سند عملکردهای بهینه در خصوص مصادره اموال»، گروه ویژه اقدام مالی در خصوص مؤلفه مفروضات قانونی، همان مفروضات نظام حقوقی انگلستان را ارائه نموده است؛ با این تفاوت که استثنای قانون عواید حاصل از جرم انگلستان را ذکر نکرده است (FATF, 2012:18).

در نظام حقوقی ایران، همانند مؤلفه نخست، هیچ فرایندی برای دامنه اموال موضوع مصادره مبسوط کیفری پیش‌بینی نشده است در تبصره یک ماده ۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷

تصریح شده است: «هرگاه ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد؛ مانند آن که نوعاً و با توجه به شرایط امکان تحصیل آن میزان دارایی در یک زمان مشخص وجود نداشته باشد مسئولیت اثبات صحت آنها برعهده متصرف است». بنابراین، به صورت مطلق ظن متأخم به اموال را موجبی برای مصادره اموال مبسوط برشمرده است؛ از این رو، در خصوص چگونگی تصمیم دادگاه در باب اموالی که در حال حاضر وجود ندارد، اما در معرض ظن متأخم به علم بوده، قانون ساکت است. همچنین وضعیت اموالی که اشخاص ثالث مدعی دارا بودن آنها هستند و در معرض ظن متأخم به علم است نیز در نظام حقوقی ایران در ابهام رها شده است. مضافاً اینکه مبدأ زمانی تعیین اموال موضوع مصادره اموال و وضعیت هزینه‌های انجام شده از سوی متهم که مضمون به تحصیل اموال نامشروع بوده، از سوی قانون گذار مشخص نشده و این درحالی است که در نمونه ارائه شده از سوی گروه ویژه اقدام مالی در «سند عملکردهای بهینه در خصوص مصادره اموال» و نیز در نظام حقوقی انگلستان و حتی در نظام حقوقی اتحادیه اروپا - که کشورها را مجاز به تعیین مبدأ زمان جهت نامشروع دانستن اموال متهم دانسته است - مبدأ زمانی جهت تعیین اموال موضوع مصادره تعیین شده است. این ابهامات می‌تواند شکل‌گیری رویه‌های متعدد و حتی متعارض قضایی را در پی داشته باشد؛ زیرا ابهام در قانون، خودتفسیری و خودرأیی مقام قضایی را به دنبال دارد؛ از این رو، به تعداد مقامات قضایی برداشت‌ها و سلاقی متفاوت شکل می‌گیرد. خروجی این ابهامات در نهایت به عدم کارآمدی مصادره مبسوط طراحی شده در قانون مورد بحث و حتی قلب به مضمون شدن آن می‌انجامد؛ زیرا ابهام و اجمال می‌تواند به نسخ عملی و عدم امکان اجرای قانون منجر شود و در نتیجه فرار مجرمان کلان اقتصادی را در پی خواهد داشت.

در این خصوص پیشنهاد می‌شود که قانون گذار از رویه نظام‌های حقوقی انگلستان و گروه ویژه اقدام مالی یادشده بهره جسته، معیارهای عینی مثل مفروضات قانونی را در قانون پیش‌بینی نماید.

۴. مؤلفه کاهش ارزش ادله اثباتی

در پرونده‌های کیفری قاعدتاً یک معیار (استاندارد) کیفری کامل جهت اثبات لازم است. در این راستا، دادستان می‌بایست فرای هر ظن متعارف^۱ اثبات نماید که متهم جرم مربوطه را انجام داده است. در خصوص موضوع مصادره مبسوط کیفری، استاندارد تخفیف یافته در بار اثبات^۲، مبنای محکومیت متهم قرار می‌گیرد؛ برای اجرای مصادره مبسوط لازم نیست اثبات شود که این مال از آن جرم خاص تحصیل شده، بلکه کافی است که از اوضاع و احوال و شرایط موجود استنباط گردد که مال یادشده منشأ غیرقانونی دارد و

1. beyond all reasonable doubt

2. a reduced standard of proof;

درواقع از رفتار مجرمانه و سبک زندگی مجرمانه متهم به دست آمده است (Bought, 2017: 27-28)؛ به عبارتی برای محکومیت به رفتار مجرمانه، لازم است که دلیلی «فرای ظن متعارف» در مقابل اصل برائت اقامه گردد، به نحوی که فرای هر ظن متعارفی برای دادگاه مجرم شناخته شدن متهم احراز گردد. در مصادره مبسوط کیفری با اثبات جرایم موجب و داشتن سبک زندگی مجرمانه، مصادره اموال وی به صورت مبسوط نیازمند دلیل قطعی فرای هر «ظن متعارفی» نخواهد بود، بلکه به امارات و احتمالات نزدیک به واقعیت اکتفا می شود و این همان مؤلفه کاهش ارزش ادله اثباتی است؛ از جمله روش های متعارف در کاهش ارزش ادله اثباتی، «توازن احتمالات» است، به این صورت که اگر احتمال منتفع شدن متهم از رفتار و سبک زندگی مجرمانه ایشان بیشتر از احتمال عدم انتفاع وی باشد، فرض می شود که متهم از رفتار و سبک زندگی مجرمانه خود منتفع شده است و می توان وی را به مصادره مبسوط محکوم کرد.

گروه ویژه اقدام مالی در سند راهنمایی قضات و دادستان ها تصریح کرده است، اگر توازن احتمالات جهت بار اثبات برای مصادره مبسوط کیفری به کار گرفته شود، می تواند کارآمدی بیشتری را در پی داشته باشد. در این راستا، دادستان می بایست بر اساس توازن احتمالات نشان دهد که اموال به طریق نامشروع تحصیل شده است و لازم نیست که بر اساس معیار کامل کیفری یعنی «فرای ظن متعارف» برای نامشروع بودن اموال موضوع مصادره، دلیل اقامه کند (FATF, 2018: 59). در مقابل متهم باید مبتنی بر توازن احتمالات ثابت کند که اموال در مظان اتهام، منشأ قانونی دارد (FATF, 2012: 8).

طبق بخش اول ماده ۵ دستورالعمل ۲۰۱۴ اتحادیه اروپا، کشورهای عضو ملزم شده اند تا در نظامات حقوقی امکان مصادره مبسوط کیفری را فراهم کنند. به تصریح ماده پیش گفته «درجایی که یک دادگاه مبتنی بر اوضاع و احوال شرایط پرونده- مانند اینکه ارزش مال با درآمد قانونی شخص مورد نظر تناسب نداشته باشد- قانع گردد» که اموال مربوطه از رفتار مجرمانه تحصیل شده است، آن اموال می بایست مصادره گردد؛ هر چند متهم به دلیل عدم ادله کافی بر اساس استاندارد «فرای ظن متعارف» به عنوان خاص مجرمانه محکوم نشده باشد.

در مشروح مذاکرات شماره ۲۱ این دستورالعمل اذعان شده است، منظور از «اقناع شدن»^۱ دادگاه از طریق اوضاع و احوال و شرایط پرونده، اثبات تحصیل مال از سوی شخص متهم از عنوان مجرمانه خاص نیست، بلکه اعضا می توانند مقرر دارند اقناع برای دادگاه از طریق «توازن احتمالات»^۲ یا «گمان متعارف»^۳ تحصیل گردد. شایان ذکر است اتحادیه اروپا در تصمیم ۲۰۰۵، اصطلاح «اقناع شدن کامل»^۴

1. "is satisfied"
2. balance of probabilities,
3. reasonably presume
4. "fully convinced"

را معیار مصادره برشمرده بود، ولی دستورالعمل ۲۰۱۴ این معیار را به اقناع شدن کاهش داد؛ بنابراین از منظر دستورالعمل یادشده، برای صدور حکم مصادره مبسوط کیفری استاندارد اثباتی با ارزش کمتری در مقایسه با تصمیم ۲۰۰۵ لازم است.

در گفتار (۷) قانون عواید حاصل از جرم ۲۰۰۲ انگلستان مقرر شده است که دادگاه می‌بایست در خصوص مصادره مبسوط کیفری بر اساس توازن احتمالات تصمیم بگیرد؛ بنابراین، دادستان پس از اینکه مبتنی بر توازن احتمالات اثبات نمود که متهم اموالی را دارا بوده یا دارد، دعوا منقلب شده، متهم باید مبتنی بر توازن احتمالات مشروع بودن اموال موضوع مصادره را اثبات نماید (part 6(7) OF the Proceeds of Crime Act 2002).

در نظام حقوقی ایران در تبصره ۳ ماده ۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷، تصریح شده است: «چنانچه ظن نزدیک به علم بر تحصیل مال از طریق نامشروع وجود داشته باشد در حکم مال نامشروع محسوب ... مال مزبور ضبط خواهد شد مگر اینکه تحصیل مشروع آن اثبات شود». بنابراین در نظام مصادره مبسوط طراحی شده در این قانون، ارزش ادله اثباتی کاهش یافته، به این صورت که «علم» به نامشروع بودن اموال به «ظن نزدیک به علم» تغییر یافته است. «ظن نزدیک به علم» در مقایسه با «علم» از حیث ارزش ادله اثباتی در فرایند دادرسی از مرتبه ارزشی پایین تری برخوردار است، به نحوی که از شک خارج و به علم نزدیک شده، اما به درجه علم نمی‌رسد.

به تصریح قانون الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم و نیز دستورالعمل اجرایی آن، مصوب ۱۳۹۹، جرایم موجب و محکومیت به جرم خاص کیفری لازمه و مقدمه مصادره مبسوط نیست.^۱ بنابراین، می‌توان اذعان داشت نظام مصادره مبسوط تدوین شده در قانون مورد بحث، مصداق مصادره مبسوط کیفری نیست، بلکه به مصادره مبسوط مدنی نزدیک است. البته در هر دو نوع مصادره، مؤلفه کاهش ارزش ادله اثباتی وجود دارد؛ از این روست که شیوه رسیدگی و استناد به ادله و بار اثبات، به تصریح قانون یادشده، مبتنی بر نظام حاکم بر تبصره یک ماده ۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۲۱۳۹۷ انجام می‌شود. در این قانون، ارزش ادله اثباتی از تحصیل علم به «ظن نزدیک به علم»^۱

۱. ماده ۱۱ دستورالعمل مقرر داشته است: رسیدگی به اموال موضوع قانون و اعاده آن مطابق قانون، منوط به وجود اتهام کیفری و یا اثبات جرم نیست و ترتیبات رسیدگی به اموال موضوع قانون نیز تابع ترتیبات شناسایی و رسیدگی به جرایم نمی‌باشد. همچنین در ماده ۱۲ دستورالعمل تصریح شده است: در صورتی که شخص مظنون به دارا بودن اموال موضوع قانون قبلاً متهم به ارتکاب جرمی بوده و پرونده اتهامی وی به صدور حکم براءت یا قرار منع یا موقوفی تعقیب منتهی شده باشد، این امر مانع شناسایی و رسیدگی به اموال وی نیست و در صورتی که حکم براءت یا قرار منع یا موقوفی تعقیب در ماهیت حقوقی رسیدگی به اموال موضوع قانون مؤثر باشد، دادستان و دادگاه به این امر توجه می‌کنند.
۲. تبصره ۱- مفاد تبصره (۱) ماده (۲) قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۲/۱۱/۱۳۸۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن در رسیدگی به پرونده‌های موضوع این قانون رعایت می‌شود.

و نیز «ظن قوی»^۲ کاهش یافته است. در تبصره ۳ ماده ۱ قانون یادشده، تصریح شده است: «کلیه کسانی که به تشخیص دادستان موضوع ماده (۱۸) این قانون ظن قوی در تحصیل اموال نامشروع به وسیله آنان با سوءاستفاده از مقام و موقعیت افراد مشمول این ماده وجود دارد، مشمول احکام این بخش هستند». بنابراین، در این قانون، دو دلیل اثباتی «ظن نزدیک به علم» و نیز «ظن قوی» که هر دو نسبت به «علم» در مرتبه اثباتی نازل تری قرار دارند، مبنای مصادره مبسوط تعریف شده‌اند.

درحالی که در نظام حقوقی انگلستان و اتحادیه اروپا، «توازن احتمالات» به عنوان یک قاعده اثباتی شناخته شده در دعاوی مدنی وجود دارد که مصادیق آن در رویه‌های قضایی مشخص است، دو ملاک کاهش ارزش ادله اثبات دعوا تعریف شده در مقررات حقوقی ایران، یعنی «ظن نزدیک به علم» و «ظن قوی»، در دو قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ و قانون الحاق موادی به قانون اجرای اصل ۴۹ و دستورالعمل اجرایی آن مصوب ۱۳۹۹، معیار عینی و مشخصی ندارد؛ با توجه به اینکه این دو ملاک تنزل یافته اثباتی ادله در دو قانون جزایی و حقوقی (مدنی) استعمال شده، سوآلی که به ذهن خطور می‌کند اینست که قانون گذار از دو عبارت یک مفهوم را اراده کرده است یا دو مفهوم متفاوت؟ همچنین اصل تأسیسی بودن الفاظ نیز این ابهام را بیشتر می‌کند. دیگر اینکه قانون مشخص نکرده که منظور از ظن نزدیک به علم، همان علم عرفی که از علم فلسفی و تیزبینی فلسفی خارج است و با رجوع به عرف مشخص می‌شود یا منظور ظنی است که از شک گذر کرده و به مرحله علم نرسیده است؟ ابهام در مفاهیم و انعطاف در معنی، موجب سردرگمی محاکم و سوءاستفاده مجرمان از ابهام قانونی شده، در ضمن دادرسی را از حالت قانون محوری به سمت شخص محوری پیش می‌برد، به نحوی که هر شعبه دادرسی نسبت به یک موضوع واحد می‌تواند آرای خاص خود را داشته باشد؛ از این رو، لازم است با هدف عینی تر شدن و ارائه ملاک ظن متأخم به علم، تعریف مصداقی در کنار تعریف مفهومی از دو عبارت «ظن متأخم به علم» و «ظن قوی تر» ارائه شود. در همین راستا، پیشنهاد نگارندگان این است که می‌توان از معیارهای نظام حقوقی انگلستان در مؤلفه جرایم موجب و نمونه‌ای که در «سند عملکردهای بهینه در خصوص مصادره اموال» گروه ویژه اقدام مالی^۳ آمده است جهت عینیت بخشی به معیار تحقق «ظن متأخم به علم» یا «ظن قوی» بهره جست؛ به این صورت که با توجه به ملاک‌های کمی و عینی چون «معیار سبک زندگی» و «دوره رفتار مجرمانه»، می‌توان ظن حاصل از این دو معیار را ظن متأخم

۱. مستند به تبصره ۱ و ۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷.

۲. تبصره ۳ ماده ۱- کلیه کسانی که به تشخیص دادستان موضوع ماده (۱۸) این قانون ظن قوی در تحصیل اموال نامشروع به وسیله آنان با سوءاستفاده از مقام و موقعیت افراد مشمول این ماده وجود دارد، مشمول احکام این بخش هستند.

۳. در گفتار نخست معیارهای یادشده تشریح شدند.

به علم و ظن قوی تعریف کرد و آن را در آیین نامه اجرایی ماده ۱۴ مصوب ۱۳۹۸ یا در قانون اصلاح مصوب ۱۳۹۷، تشریح نمود.

برابری سلاح‌ها، به این معنی است که شرایط تعریف شده برای هریک از طرفین باید به گونه‌ای باشد که هیچ یک از طرفین نسبت به دیگری جهت اثبات و ردّ دعوا به صورت اساسی در وضعیت نامناسب‌تری واقع نشود. در پرتو این اصل است که در آیین دادرسی کیفری هر دو طرف از حق دفاع، حق داشتن وکیل و حق دسترسی به پرونده برخوردارند؛ از جمله این حقوق، ارزش ادله اثباتی مورد استناد است؛ هر دو طرف باید بتوانند برای اثبات مدعای خود، از یک نوع ادله با ارزش اثباتی برابر بهره جویند؛ از این روست که در نظام‌های حقوقی مورد بحث، همان طور که دادستان و قاضی مبتنی بر ادله اثباتی با ارزش کاهش یافته «توازن احتمالات» می‌توانستند اموال متهم را موضوع مصادره مبسوط کیفری قرار دهند، متهم نیز می‌توانست مبتنی بر توازن احتمالات، مشروع بودن اموال خود را اثبات کند؛ و این در حالی است که در نظام حقوقی ایران اگرچه دادگاه و دادستان می‌توانند بر اساس دلیل اثباتی با ارزش کاهش یافته «ظن متأخّم به علم» یا «ظن قوی» اموال متهم را موضوع مصادره مبسوط قرار دهند، اما اینکه متهم نیز از چنین حقی برخوردار است یا اینکه برای رفع اتهام از خود باید ادله علم آور و فرای ظن معقولانه ارائه کند، قانون ساکت است؛ بنابراین، لازم است که قانون‌گذار در قوانین مورد بحث با توجه به اصل برابری سلاح حق یادشده را برای متهم به رسمیت شناخته، به آن تصریح نماید.

۵. مؤلفه انقلاب دعوا

طبق اصول اولیه، اصل بر مشروع بودن اموال است و دادستان باید نامشروع بودن اموال متعلق به متهم را اثبات کند. اما در موضوع مورد بحث، پس از اینکه امارات و شرایط از جمله سبک زندگی مجرمانه و وجود جرایم موجب بر منشأ غیرقانونی اموال فرد دلالت می‌نماید، بار اثبات منقلب شده، فرض می‌شود که اموال متهم نامشروع است و وی باید مبتنی بر توازن احتمالات، مشروع بودن اموال موضوع مصادره مبسوط کیفری را اثبات نماید.

گروه ویژه اقدام مالی در توصیه شماره ۴ خود کشورها را به اتخاذ تدابیری مبنی بر الزام متهم به اثبات نمودن منشأ قانونی اموالی که در مظان اتهام و موضوع مصادره مبسوط قرار گرفته، سفارش نموده است (FATF, 2012-2018: 10)؛ ضمناً در ماده ۵(۷) کنوانسیون مقابله با جرایم مواد مخدر و روان گردان سازمان ملل و در ماده ۱۲(۷) کنوانسیون مقابله با جرایم سازمان یافته، کشورها به انقلاب اثبات دعوا در مصادره اموال تشویق شده‌اند. در توصیه یادشده، کشورها به پذیرش این دو کنوانسیون، فراخوانده شده‌اند (FATF, Ibid).

گروه مورد بحث در «سند عملکردهای بهینه در خصوص مصادره اموال» تصریح داشته است که پس از اثبات سبک زندگی مجرمانه برای متهم، بار اثبات منقلب شده، در مقابل به شخص محکوم علیه بستگی دارد که ادله رد اتهام خود را به دادگاه تقدیم نماید؛ در واقع فرض می شود که دادستانی به تعهد مستندسازی و ارائه ادله علیه متهم عمل کرده، متهم باید مبتنی بر توازن احتمالات ثابت کند که اموال موضوع مصادره منشأ قانونی دارد (8: FATF, 2012).

بخش دوم ماده ۳ تصمیم ۲۰۰۵ مقرر، سه شیوه اثبات مصادره مبسوط را ارائه کرده است. در بخش اول ماده ۵ دستورالعمل ۲۰۱۴، سه راهکار یادشده نسخ و مقرر شد درجایی که دادگاه مبتنی بر اوضاع و شرایط پرونده، از جمله اطلاعات خاص و ادله موجود، همانند اینکه ارزش مال با درآمد قانونی شخص محکوم شده تناسب نداشته باشد، قانع شود که اموال مربوطه از رفتار مجرمانه تحصیل شده است، می تواند حکم به مصادره اموال صادر نماید در واقع بار اثبات منقلب می شود و متهم می بایست مبتنی بر توازن احتمالات، مشروع بودن منشأ اموال خود را اثبات کند.

لازم به ذکر است که در این باره، دادگاه حقوق بشر در خصوص پرونده گریسون و بارن هام^۱ حکم داد که قرار دادن بار بر دوش متهم، با ماده ۶ که اصل برائت را به عنوان یک حق حقوق بشری می شمرد، مغایر نیست؛ زیرا غیرمنطقی نیست که از متهم انتظار داشته باشد که دارایی هایی را که در اختیار دارد حساب کند و در مورد آنها توضیح بدهد (Appl. Nos. 19955/05 and 15085/06, Judgment of 23 September 2008).

در نظام حقوقی انگلستان نیز پس از اثبات سبک زندگی مجرمانه، بار اثبات به عهده متهم است؛ بنابراین، وی مکلف به اثبات مشروع بودن مال موضوع مصادره می گردد (Part 10(5) OF the Proceeds of Crime Act 2002). در صورت عدم توانایی متهم در اثبات مشروعیت اموال یادشده، دادگاه می بایست حکم به مصادره اموال صادر نماید. پس از تعیین میزان مصادره، چنانچه میزان آن از دارایی موجود متهم بیشتر باشد، در این حالت دادگاه می بایست میزان اسمی آن را تعیین کرده، به مصادره مبسوط حکم دهد (Parts 5, 7(2) OF the Proceeds of Crime Act 2002).

قانون مورد بحث دادگاه را ملزم می نماید که بین منافع و میزان در دسترس تفکیک قائل شود و به صورت مستقل محاسبه کند؛ از این رو، همه اموال اعم از منافع و عین اموال مورد محاسبه دقیق قرار می گیرد (Part 9 OF the Proceeds of Crime Act 2002) و بر عهده متهم است که اثبات نماید دارایی های موجود کمتر از منافع تحصیل شده از جرم است. همچنین متهم باید ثابت نماید که وی مالکیت طولانی یا کنترل طولانی بر دارایی های در مظان اتهام نداشته است. اگر متهم نتواند دادگاه را در

1. Grayson and Barnham

چنین مواردی قانع کند، دستور مصادره در مورد مقدار منفعت نیز اجرا خواهد شد. در مواردی که دارایی‌ها موجود بوده‌اند و سپس بدون هیچ توضیح قانع‌کننده‌ای پنهان شده باشند، دادگاه حکم به وجود دارایی‌های پنهان می‌دهد و لازم نیست که دادستان بعد از اینکه وجود دارایی‌ها را مبتنی بر توازن احتمالات به اثبات رساند، مجدداً پنهان شدن آنها را اثبات کند. پس از صدور حکم به مصادره، از متهم درخواست می‌شود که بیانه‌ای مبنی بر اینکه چه مقدار را می‌پذیرد و چه مقدار را قابل اعتراض می‌داند، ارائه دهد. اگر متهم از ارائه بیانه خودداری کند، می‌تواند تفسیر گردد که وی با محاسبات انجام‌شده موافق است (Part 17(1) OF the Proceeds of Crime Act 2002). همچنین دادگاه می‌تواند به متهم دستور دهد تا اطلاعاتی درباره وضعیت مالی، میزان و محل دارایی‌هایش ارائه کند. اگر متهم از انجام این کار بدون هیچ دلیل معقولی (منطقی) خودداری نماید، دادگاه می‌تواند این عدم ارائه را به پذیرش میزان محاسبه انجام‌شده تفسیر کند. همچنین دادگاه می‌تواند به سبب این بی‌حرمتی به دادگاه، مجازات حبس برای وی در نظر بگیرد (Part 18 (4)(5) OF the Proceeds of Crime Act 2002). پس از صدور حکم نیز در صورت کشف ادله جدید، امکان محاسبه و بررسی مجدد دارایی‌ها وجود دارد (Parts 19, 20, 21 OF the Proceeds of Crime Act 2002).^۱ مبلغ تعیین‌شده جهت مصادره باید بلافاصله پرداخت شود. با درخواست متهم، دادگاه می‌تواند در ابتدا پرداخت را سه ماه به تعویق بیندازد و تا حداکثر شش ماه تعویق مجاز است. باگذشت این زمان، سود کل مبلغ آغاز (در حال حاضر با نرخ هشت درصد) و مراحل اجرای مصادره نیز شروع می‌شود. دادگاه بدوی^۲ موظف است در صورتی که متهم نتواند مبلغ تعیین‌شده را به‌عنوان مبلغ مصادره پرداخت کند، مجازات حبس تعیین نماید و طول مجازات بستگی به میزان مبلغ مصادره دارد. این حکم می‌تواند از شش ماه برای مبلغ ۱۰ هزار پوند یا کمتر و تا ۱۴ سال برای مبلغی بیش از ۱ میلیون پوند متفاوت باشد (Part 38(2) OF the Proceeds of Crime Act 2002). شایان ذکر است که اجرای حکم مصادره حتی در صورت اجرای حکم زندان مجری خواهد بود (Part 38(5) OF the Proceeds of Crime Act 2002).

نظام حقوقی ایران در تبصره ۲ ماده ۱۳ در قانون الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم و نیز دستورالعمل اجرایی آن، مصوب ۱۳۹۹، ظن قوی به نامشروع بودن اموال را موجب انقلاب دعوا دانسته و چنین تصریح کرده است: «در صورتی که ظن قوی بر نامشروع بودن اموال وجود داشته باشد، اشخاص مشمول قانون مکلف‌اند با ارائه اسناد مثبت، مشروع بودن اموال خود را به اثبات برسانند».

۱. لازم به ذکر است که در برخی موارد، در خصوص مبالغی که حکم مصادره بر اساس آنها تعیین می‌شود، بین دادستانی و متهم معامله منعقد می‌گردد که به معامله اتهام شهرت دارد؛ اما دادگاه هیچ تعهدی برای پذیرش چنین معامله‌ای ندارد (Bullock, 2014: 60-61).

همچنین تبصره نخست ماده ۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷، ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات یا تحصیل اموال را موجب مصادره و انقلاب دعوا برشمرده و تصریح داشته است: «هرگاه ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد ... مسئولیت اثبات صحت آنها برعهده متصرف است». در ضمن در تبصره ۳ ماده ۲ قانون یادشده نیز تصریح شده است: «چنانچه ظن نزدیک به علم بر تحصیل مال از طریق نامشروع وجود داشته باشد در حکم مال نامشروع محسوب و ... در هر صورت مال مزبور ضبط خواهد شد مگر اینکه تحصیل مشروع آن اثبات شود».

نظام حقوقی ایران همانند اسناد گروه ویژه و اتحادیه اروپا، به مباحث جزئی مصادره اموال نپرداخته است؛ حال آنکه شیوه اتخاذی در نظام حقوقی انگلستان به بازدارندگی بیشتر می‌انجامد و مجریان قانون را در ابهام رها نمی‌کند؛ از این رو پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار همانند نظام حقوقی انگلستان، این امکان را برای متهم فراهم نماید تا با اعلام بی‌بیانه، پذیرش یا عدم پذیرش میزان اموال موضوع مصادره را اعلام کند و سکوت وی را بر پذیرش حکم دادگاه تعبیر نماید. همچنین دادگاه این اختیار را داشته باشد که بتواند از متهم بخواهد که وضعیت مالی خود را تشریح کند و برای بی‌اعتنایی متهم ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی نماید؛ مضافاً لازم است قانون‌گذار در مواردی که حکم به مصادره اموال صادر شده است، اما همه اموال موضوع حکم در دسترس نیست، همانند نظام حقوقی انگلستان، امکان حکم به مبلغ اسمی اموالی را که از دسترس خارج شده است پیش‌بینی نماید و برای پرداخت آن مبلغ اسمی، بازه زمانی سه تا شش ماهه تعیین و ضمانت اجرای کیفری مثل حبس در خصوص آن مقرر کند. ضمناً به جهت قطعیت بیشتر این دست از قوانین، حتی در صورت پایان دوران حبس نیز هر زمان مالی برای مجرمین تحصیل شود، می‌بایست به‌عنوان ضمانت اجرای احکام مصادره، به نفع دولت ضبط گردد و آنها مکلف به پرداخت مبلغ اموال موضوع مصادره اموال کیفری باشند؛ زیرا مهم‌ترین انگیزه ارتکاب جرم از منظر مجرمین جرایم اقتصادی، تحصیل عواید و اموال از طریق ارتکاب جرم است؛ از این حیث، لازم است که قلع هدف‌گایی مرتکب جرم، از مهم‌ترین اهداف نظام حقوق کیفری تعریف گردد و در این مسیر، سیاست تقنینی پیشنهادی یادشده می‌تواند کارآمدی لازم را داشته باشد.

۶. نتیجه و پیشنهادها

رهیافت نظام‌های حقوقی گروه ویژه اقدام مالی، اتحادیه اروپا و انگلستان در خصوص رژیم مصادره مبسوط کیفری از چهار مؤلفه شکل گرفته که نخستین آن، مجموعه جرایم سازمان‌یافته است که عادتاً موجب تحصیل مال نامشروع شده، با توجه به نوعشان کشف آنها با مشکل روبه‌رو است؛ از جمله آنها

قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و پولشویی است که به‌عنوان جرایم موجب شناخته می‌شوند. در سه نظام حقوقی مورد بحث، محکومیت فرد به یکی از جرایم موجب برای اثبات اینکه متهم سبک زندگی مجرمانه دارد، کافی است؛ در ضمن در نظام حقوقی انگلستان و گروه ویژه اقدام مالی، پیش‌نیازها جهت یک سبک زندگی مجرمانه بر اساس تعداد مشخصی از محکومیت‌ها در بازه‌های زمانی معین تعریف شده‌اند؛ بنابراین از ویژگی‌های نظام مصادره مبسوط در هر سه نظام حقوقی مورد بحث، شروع آن با سابقه کیفری مجرم است و این در حالی است که در نظام حقوقی ایران با وجود تصریح به استقلال جرم پولشویی از جرم منشأ، مؤلفه جرایم موجب و سبک زندگی مجرمانه پیش‌بینی نشده است.

در نظام حقوقی انگلستان و گروه ویژه اقدام مالی، چهار فرض تبیین شده که مؤلفه دوم نظام مصادره مبسوط است؛ به این نحو که دادگاه ملزم است همه درآمد و هزینه‌هایی که در طول شش سال قبل وجود داشته است به‌عنوان عواید حاصل از جرم مفروض بداند؛ در ضمن شخص ثالثی نیز در آن دخیل نیست. نظام مصادره مبسوط کیفری در نظام حقوقی ایران نیز در این خصوص ساکت و فاقد مؤلفه یاد شده است.

پس از سبک زندگی مجرمانه و برقراری مفروضات چهارگانه، در مؤلفه سوم همه عواید و اموال مظنون در سه نظام حقوقی مورد بحث مبتنی بر توازن احتمالات، نامشروع دانسته شده است. در نظام حقوقی ج.ا.ایران اگرچه «ظن نزدیک به علم» و «ظن قوی» به‌عنوان مؤلفه کاهش ارزش ادله اثباتی پذیرفته شده، اما معیار و رویه‌های مشخصی در تشریح و شناخت آنها از سوی قانون‌گذار ارائه نشده است؛ مضافاً اینکه مبتنی بر اصل برابری سلاح‌ها، در نظام حقوقی ایران، برخلاف سایر نظام‌های حقوقی مورد بحث، بر امکان دفع اتهام از سوی متهم مبتنی بر «ظن نزدیک به علم و ظن قوی» تصریح نشده است.

در مؤلفه چهارم که در هر چهار نظام حقوقی مورد بحث پیش‌بینی شده است، بار اثبات منقلب می‌شود و در این حالت است که متهم می‌بایست مشروع بودن اموال و عواید را بر اساس توازن احتمالات اثبات نماید. در ادامه، با هدف ارتقا و تکامل نظام حقوقی حاکم بر مصادره مبسوط کیفری در نظام حقوقی ایران، پیشنهادهایی ارائه می‌شود:

- با توجه به اینکه مهم‌ترین مؤلفه نظام مصادره مبسوط کیفری جرایم موجب است، پیشنهاد می‌شود در قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ همانند نظام حقوقی انگلستان، اتحادیه اروپا و نظام حقوقی گروه ویژه اقدام مالی، مؤلفه یاد شده تقنین گردد تا از این طریق موجبات کارآمدی بهتر نظام مقابله با عواید مجرمانه تسهیل و ریسک وقوع جرایم پولشویی و جرایم مالی و سازمان یافته کاهش یابد.

- در نظام حقوقی ایران منقلب شدن بار اثبات به هیچ ملاک کمی محدود نشده^۱ و تنها به تحلیل کیفی اکتفا شده است. در این راستا پیشنهاد می‌شود همانند کشور انگلستان و نمونه بیان شده در «سند عملکردهای بهینه در خصوص مصادره اموال» از سوی گروه ویژه اقدام مالی، محکومیت به جرایم خاص، تکرار دسته‌ای از جرایم در یک دوره زمانی مشخص و در نهایت ملاک سبک زندگی مجرمانه به عنوان سنجه کمی انقلاب دعوا در کنار تبیین کیفی در قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ یا آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۴ مصوب ۱۳۹۸ تشریح گردد.
- به هدف عینی‌تر شدن و ارائه ملاک ظن متأخّم به علم، می‌بایست تعریف مصداقی در کنار تعریف مفهومی از دو عبارت «ظن متأخّم به علم» و «ظن قوی‌تر» ارائه شود؛ در این راستا می‌توان از شیوه سبک زندگی مجرمانه و ملاک‌های چهارگانه نظام حقوقی انگلستان و نمونه بیان شده در «سند عملکردهای بهینه در خصوص مصادره اموال» گروه ویژه اقدام مالی استفاده کرد. این معیار پیشنهادی مانع از خودتفسیری قانون شده، به کارآمدی بیشتر می‌انجامد.
- با توجه به نبود معیارهای مشخص برای محاسبه اموال موضوع مصادره مبسوط کیفری، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با در نظر گرفتن معیارهای چهارگانه نظام حقوقی انگلستان و گروه ویژه اقدام مالی، ملاک‌های مشخصی را در قانون و آیین‌نامه‌های مربوطه پیش‌بینی نماید.
- با در نظر داشتن اصل برابری سلاح‌ها، هر دو طرف دعوی باید بتوانند برای اثبات مدعی خود از یک نوع ادله با ارزش اثباتی برابر بهره‌جویند؛ از این رو، در نظام‌های حقوقی مورد بحث، هر دو طرف دعوی اعم از دادستان و متهم، مبتنی بر ادله اثباتی با ارزش کاهش یافته «توازن احتمالات»، می‌توانستند به اثبات مدعی خود بپردازند. در همین راستا پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار ج.ا.ایران نیز در قوانین مورد بحث با توجه به اصل برابری سلاح، حق یادشده را برای متهم به رسمیت شناخته، به آن تصریح نماید تا علاوه بر دادستان، متهم نیز بتواند بر اساس دلیل اثباتی با ارزش کاهش یافته «ظن متأخّم به علم» یا «ظن قوی»، به دفاع از خود بپردازد.

منابع

الف) فارسی

۱. قانون الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم (۴۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱. در تبصره ۱ ماده ۲ قانون اصلاح مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ آمده است: هرگاه ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد مانند آن که نوعاً و با توجه به شرایط، امکان تحصیل آن میزان دارایی در یک زمان مشخص وجود نداشته باشد.

- مصوب ۱۳۹۹.
۲. دستورالعمل اجرایی قانون الحاق موادی به قانون نحوهٔ اجرای اصل چهل و نهم (۴۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۹.
۳. قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷.
۴. آیین‌نامهٔ اجرایی مادهٔ ۱۴ مصوب ۱۳۹۸.
۵. اظهار نظر مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان در خصوص لایحهٔ قانون مبارزه با پولشویی، کد گزارش ۹۷۰۳۰۲۸؛ تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۰۳/۰۸.

(ب) انگلیسی

- Books & Articles

- Ryder, N. (2013). To Confiscate or not to Confiscate? A Comparative Analysis of the Confiscation of the Proceeds of Crime Legislation in the United States and the United Kingdom, 8 *Journal of Business Law* ,
- . Vettori, B. (2006). *Tough on Criminal Wealth: Exploring the Practice of Proceeds from Crime Confiscation in the EU*. Springer.
- Kennedy, A. (2004). Justifying the Civil Recovery of Criminal Proceeds. 12 *Journal of Financial Crime*.
- Bought, J. (2017). *Curtain: Assessing the Feasibility of Extended Appropriation.. The Limits of Asset Confiscation: On the Legitimacy of Extended Appropriation of Criminal Proceeds*. Oxford: Hart Publishing, Bloomsbury Collections.
- Bought, J. (2017). *Extended Criminal Confiscation. The Limits of Asset Confiscation: On the Legitimacy of Extended Appropriation of Criminal Proceeds*. Oxford: Hart Publishing.
- .Brussels,R. (20.7.2012). Center for the Study of Democracy. *Disposal of Confiscated Assets in the EU Member States, Laws and Practices*.
- Cassella ,S. (2008). The Case for Civil Forfeiture, Why in Rem Proceedings are an Essential Tool for Recovering the Proceeds of Crime. 11 *Journal of Money Laundering Control*.
- Euro just (2012-.2013). *Report on Non-Conviction-based Confiscation*, General Case 751/NMSK. For an interesting discussion of the justify cations for civil recovery of criminal proceeds.
- Alagna. F. (2015). Non-conviction Based Confiscation: Why the EU Directive is a Missed Opportunity. 21 *European Journal on Criminal Policy and Research*.
- FATF (۲۰۱۸-۲۰۱۲). *International Standards on Combating Money Laundering and the Financing of Terrorism & Proliferation*, FATF, Paris, France.
- FATF (2018). FATF President's paper: Anti-money laundering and counter terrorist financing for judges and prosecutors, FATF, Paris, France, www.fatf-gafi.org/publications/methodandtrends/documents/AML-CFT-judges-prosecutors.html.
- FATF (2012). *BEST PRACTICES ON CONFISCATION(RECOMMENDATIONS 4 AND 38) AND A FRAMEWORK FOR ONGOING WORK ON ASSET RECOVERY*; october.

13. Stessens, G. (2000). *Money Laundering: A New International Law Enforcement Model* (Cambridge: Cambridge University Press).
14. Lawrence, I. (2008) "Draconian and Manifestly Unjust: How the Confiscation Regime has Developed" 76*Amicus Curiae*.
15. Burn, J.P.; Gray, L.; Scott, C.; Stephenson, K.M. (2021). *Asset Recovery Handbook A Guide for Practitioners* The International Bank for Reconstruction and Development / The World Bank.
16. Bullock, K "Criminal . (2014) Benefit, the Confiscation Order and the Post- conviction Confiscation Regime" 62*Crime, Law and Social Change*.
17. Schunke, M.T (2017). *Extended confiscation in criminal law; national, European and international perspective*, Publisher: Intersentia.
18. Maugeri, A. (2012). *The Criminal Sanctions against the Illicit Proceeds of Criminal Organizations*. 3*New Journal of European Criminal Law*.
19. Naylor, R.T. (1999). *Wash-out: A Critique of Follow-the Money Methods in Crime Control Policy*. 32*Crime, Law and Social Change*.
20. Nikolov, N. (2011). *General Characteristics of Civil Forfeiture*. 14*Journal of Money Laundering Control*.
21. Report from the Hodgson Committee, Hodgson, D. (1984). *Profits of Crime and Their Recovery*, Heinemann, London.
22. Milne, S. (2017). *On the borders of criminal law. A tentative assessment of Italian, non-conviction based extended confiscation* *New Journal of European Criminal Law*, Vol. 8, (2).
23. Stefan D. Cassella, S.D. (2013). *Asset Recovery: The American Experience*. that appeared in *eucri: The European Criminal Law Associations' Forum* 3.
24. Stessens, G. (2002). *Money Laundering: A New International Law Enforcement Model*. 3rd ed. Cambridge.
25. François, T.J. (2005). *Money Laundering and Terrorist Financing: An Overview*. *Current Developments in Monetary and Financial Law*, Vol. 3.
26. Vittorio, M .(2015). *L'ultimo imperativo della politica criminale: nullum crimen sine confiscatione'* *Rivista Italiana di Diritto e Procedura Penale*.

- Laws & Documents

27. "Confiscation Orders, Human Rights and Penal Measures"(Ul ph, J.) 126*Law Quarterly Review* (2010) .
28. Appl. Nos. 19955/05 and 15085/06, Judgment of 23 September 2008.
29. Directive 2014/42/EU of the European Parliament and of the Council on the Freezing and Confiscation of Instrumentalities and Proceeds of Crime in the European Union
30. Directive 2014/42/EU of the European Parliament and of the Council on the Freezing and Confiscation of Instrumentalities and Proceeds of Crime in the European Union
31. *Explanatory Notes to POCA 2002*, pp. 25 – 26.
32. Framework Decision 2000/383/JHA of 29 May 2000
33. Framework Decision 2001/500/JHA of 26 June 2001
34. Framework Decision 2002/629/JHA of 19 July 2002
35. International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism^{۱۹۹۹}
36. Joint Action of 3 December on Money Laundering, the Identification, Tracing, Freezing, Seizing and Confiscation of Instrumentalities and the Proceeds from

-
- Crime1998.
37. Justice and Home Affairs Council configuration (OJ L) OJ L 68, 15.3.2005.,
38. Recital (6) FD 2005/212/JHA: Report from the Commission pursuant to Article 6 of the Council Framework Decision of 24 February 2005 on confiscation of crime related proceeds, instrumentalities and property (2005/212/JHA) /* COM/2007/0805 final */
39. *Recovering the Proceeds of Crime* , A Performance and Innovation Unit Report, June 2000
40. the Framework Decision 2005/212/JHA of 24 February 2005 on Confiscation of Crime-Related Proceeds, Instrumentalities and Property
41. United Nations Convention against Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances,1988
42. United Nations Convention against Transnational Organized Crime2000